کیهان

شنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۴ □ ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ □ ۱۳ دسامبر ۲۰۲۵ □ شماره ۲۴۰۲۸

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۱/۵۹، اذان مغرب: ۱۷/۱۲، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۴، اذان صبح(فردا): ۵/۳۶، طلوع آفتاب(فردا): ۷/۰۶

آمریکا: در غزه نسل کشی رخ نداده چون همه کشته نشدند!

سفیر آمریکا در سرزمین‌های اشغالی گفت: چون اسرائیل همه ساکنان غزه را قتل‌عام نکرده است، نسل‌کشی در این باریکه رخ نداده است.

رژیم صهیونیستی با حمایت‌ها، سلاح‌ها، تکنولوژی‌ها و اطلاعاتی که آمریکا در اختیارش قرار داده است توانست ده‌ها هزار فلسطینی بی‌گناه ساکن غزه را قتل‌عام کند- تا با ایجاد رعب و وحشت قدرت بازدارندگی برای خود ایجاد کند- تا جایی که دادگاه‌های بین‌المللی این رژیم را به نسل‌کشی محکوم کردند و سران این رژیم نیز تحت تعقیب هستند. آمریکایی‌ها اما می‌گویند کشتار ۷۰ هزار زن و کودک در باریکه غزه (که بنابر برخی گزارش‌ها این عدد بیش از ۸۰۰ هزار نفر است)، نسل‌کشی نیست! چرا؟ چون اسرائیل همه را نکشته است! «مایک هاکبی» سفیر آمریکا در سرزمین‌های اشغالی گفت: «بسیاری از مردم می‌پرسند که آیا اسرائیل یک ملت نسل‌کش است؟ این سؤال خیلی مسخره است. برای اینکه یک کشور نسل‌کش باشد، باید عمداً تلاش کند تمام غیرنظامیان یک منطقه را بکشد، و کشتن برخی غیرنظامیان کافی نیست و این اتفاق هم هرگز در غزه رخ نداده است.»

دزدی دریایی آمریکا در دریای کارائیب! یانکی‌ها نفتکش ونزوئلایی را ربودند

بعد از حملات به قایق‌ها و کشتی‌های ونزوئلا و کشتار نزدیک به ۹۰ ماهیگیر اهل این کشور، آمریکا در یک دزدی دریایی آشکار نفتکش متعلق به ونزوئلا را نیز مصادره کرد.

«کارولین لیویت» سخنگوی کاخ‌سفید روز پنج‌شنبه در یک ادعای مضحک درباره دلیل توقیف این نفتکش گفت: «این کشتی یک نفتکش تحت تحریم و بخشی از ناوگان سایه‌ای بود که نفت تحریم‌شده بازار سیاه را برای سپاه پاسداران حمل می‌کرد». سخنگوی کاخ‌سفید همچنین اعلام کرد که دولت آمریکا قصد دارد نفت موجود در نفتکش توقیف شده را مصادره کند. «بلومبرگ» شامگاه پنجشنبه در این زمینه اعلام کرد توقیف ابرنفتکش ونزوئلا، مرحله جدیدی از کارزار فشار آمریکا بر «نیکلاس مادورو» رئیس‌جمهور این کشور است. براساس این گزارش «آمریکا قصد دارد از دسترسی رئیس‌جمهور ونزوئلا به درآمد نفتی جلوگیری کرده تا او را مجبور به کناره‌گیری از قدرت کند». «رویترز» نیز نوشت که بهای نفت پس از توقیف این نفتکش افزایش یافت و به ۶۲ دلار و ۴۴ سنت در هر بشکه رسید.

طرح مقاومت عراق و یمن برای نفوذ به قدس به روایت یدیعوت آحارونوت

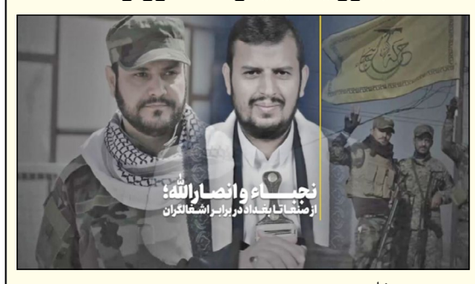

سرویس خارجی-

روزنامه عبری «یدیعوت آحارونوت» نوشته است که گزینه نفوذ و حرکت گروه‌های مقاومت عراقی و انصارالله یمن به سمت قدس همچنان پا برجاست.

رژیم آپارتاید اسرائیل، که با دهه‌ها اشغالگری، سرکوب سیستماتیک فلسطینیان و حملات تجاوزکارانه به همسایگانِ فلسطین، خود را به عنوان منبع اصلی بی‌ثباتی در منطقه تثبیت کرده است، اکنون با یک میراث استراتژیک خاص مواجه است که شبکه‌ای از جبهه‌های مقاومت را برای مقابله با این رژیم طراحی کرده است، طرحی که صهیونیست‌ها نام آن را «حلقه آتش» گذاشته‌اند.

در گزارش‌های رسانه‌های رژیم می‌خوانیم که این رژیم خودش را با واقعیتی روبه‌رو می‌بیند که پیش‌تر آن را دست‌کم گرفته بود: استراتژی‌ای که سال‌ها پیش طراحی شده است.

این استراتژی، مبتنی بر ایجاد چند لایه فشار موشکی و زمینی از محورهای مختلف جغرافیایی، به‌ویژه از سمت سوریه و اردن، نشان می‌دهد که تلاش تل‌آویو برای قطع کامل ارتباط جبهه‌های مقاومت با یکدیگر و انهدام زیرساخت‌های آن‌ها به نتیجه نرسیده و به عاملی برای نگرانی دائمی فرماندهان نظامی و سیاسی این رژیم تبدیل شده است.

گزارش یدیعوت آحارونوت

روزنامه عبری‌زبان «یدیعوت آحارونوت» که پرخواننده‌ترین روزنامه رژیم آپارتاید اسرائیل برای بیش از ۵۰ سال بوده است، نوشته، نگرانی‌هایی وجود دارد که ایران هنوز از طرح [شهید] «قاسم سلیمانی»، فرمانده پیشین نیروی قدس سپاه پاسداران، دست نکشیده است.

طرح او این بود که رژیم اسرائیل را در حلقه دوگانه‌ای از آتش (یعنی موشک‌ها، پهپادها و نیروهای نفوذی زمینی) محاصره کند و در زمان مناسب، طبق برنامه‌ای که خودش پیش از ترور طراحی کرده بود، به آن حمله شود.

گروه‌های قادر به انجام حمله به اسرائیل از خاک اردن و جنوب سوریه، شبه‌نظامیان عراقی و «حوثی‌های» یمن هستند. یکی از سناریوهای نگران‌کننده این است که عناصر شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران به مرزهای اردن یا به بلندی‌های جولان نفوذ کرده و به نیروهای امنیتی اردن حمله کنند، سپس به سمت پل‌ها و گذرگاه‌های متصل به اسرائیل حرکت کنند. طبق برآورد نظامی اسرائیل، این نیروهای مسلح ممکن است به منطقه جنوب دریاچه طبریه (دریای جلیله) یا به مرکز دره اردن، از جمله پل آلنبی و پل آدم نفوذ کنند، پل‌هایی که از طریق آن‌ها می‌توان مستقیماً به سمت قدس حرکت کرد.

تهدیدی طولانی علیه رژیم

گفتنی است، از سال ۱۳۹۸ (۲۰۲۰)، رسانه‌های صهیونیستی بارها به ادامه اجرای طرح معروف به «حلقه آتش» یا «حلقه دوگانه آتش» اشاره کرده‌اند: روزنامه «هاآرتص» در گزارش‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۲ (۲۰۲۰ و ۲۰۲۳)، یدیعوت آحارونوت و سایت «ینت» در گزارش‌های متعدد به‌ویژه آذر ۱۴۰۴ (دسامبر ۲۰۲۵)، «اسرائیل‌هیوم» در ۱۹ آذر ۱۴۰۴ و «معاریو» در تحلیل‌های همزمان، همگی با استناد به ارزیابی‌های ارتش و موساد نوشته‌اند که ایران همچنان به همان برنامه پایبند است.

رژیم اسرائیل با سابقه طولانی اشغالگری و تجاوزگری، خود را در چرخه‌ای از وحشت دائمی قرار داده که ریشه در واکنش‌های طبیعی به این سیاست‌های توسعه‌طلبانه دارد؛ رسانه‌های اسرائیلی و گزارش‌های اطلاعاتی این رژیم بارها به تهدید وجودی از سوی ایران اشاره کرده‌اند، جایی که استراتژی محاصره چندلایه، از طریق شاخه‌های مقاومت، مرزهای شرقی اراضی اشغالی را در معرض نفوذ قرار داده، همان‌طور که گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد این اقدامات تهاجمی رژیم اسرائیل نه‌تنها امنیت را تضمین نکرده، بلکه به عاملی برای تشدید نگرانی‌های نظامی و سیاسی تل‌آویو تبدیل شده است.

چرا صهیونیست‌ها باید بترسند؟

این رژیم باید هم در وحشت به سر ببرد. رژیم اسرائیل از لحاظ استراتژیک و نظامی با نقاط ضعفی جدی روبه‌رو است که عمدتاً ریشه در جغرافیای محدود و عدم عمق استراتژیک آن دارد؛ این کشور به دلیل وسعت کم و مرزهای طولانی نسبی، فاقد فاصله کافی بین خطوط مقدم و مراکز حیاتی مانند شهرهای بزرگ، مراکز صنعتی و جمعیت غیرنظامی است، که این امر اجازه می‌دهد دشمنان به‌سرعت به عمق خاک نفوذ کنند و آسیب‌های گسترده وارد نمایند، همان‌طور که در دکترین نظامی آن به عنوان یک چالش اساسی برجسته شده است. این عدم عمق استراتژیک، که اغلب به عنوان «فضای کم» توصیف می‌شود، همراه با عدم تعادل جمعیتی (برتری عددی عرب‌ها) و تهدیدهای وجودی از سوی بازیگران دولتی و غیردولتی، رژیم اسرائیل را وادار به اتکا بر اصول دفاعی خاصی کرده است. اما این رویکرد رژیم آسیب‌پذیر است، چراکه در جنگ‌های طولانی، سیستم‌های دفاع هوائی می‌تواند توسط حملات بسیار گسترده مشغول شود و زیرساخت‌های حیاتی در معرض خطر قرار گیرد.

افزون بر این، تلاش برای کسب عمق استراتژیک از طریق اشغال مناطق مجاور، مانند غزه، نه‌تنها مدیریت درگیری را پیچیده‌تر می‌کند، بلکه می‌تواند تهدیدها را تشدید نماید، زیرا خطوط تأمین کوتاه را از دست می‌دهد و به وابستگی بیشتر به فناوری و نیروی انسانی منجر می‌شود، که در نهایت استراتژی کلی را شکننده می‌سازد.

گزارش یورونیوز از بحران انرژی در اروپا

۴۱ میلیون اروپایی حتی نمی‌توانند خانه‌هایشان را گرم کنند

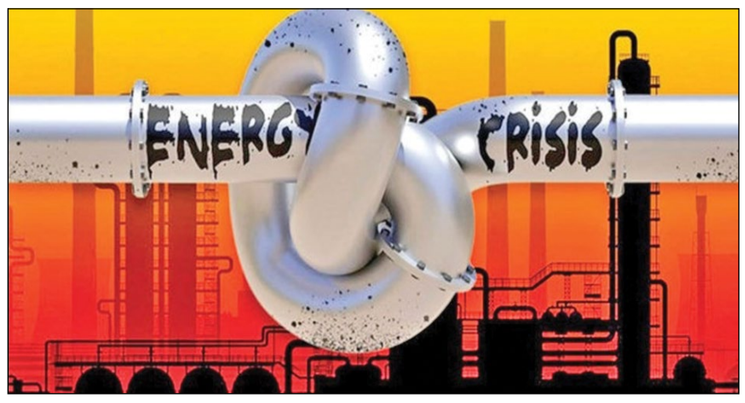

سرویس خارجی-

شبکه تلویزیونی اتحادیه اروپا «یورونیوز»، با اشاره به شروع بحران انرژی در اتحادیه اروپا زیر سایه جنگ اوکراین نوشته است؛ ۴۱میلیون نفر در اتحادیه اروپا حتی قادر نیستند خانه‌های خود را گرم کنند.

با شروع جنگ اوکراین اتحادیه اروپا با شعار «رهایی از انرژی روسیه» مجموعه‌ای از تحریم‌ها، طرح‌های اضطراری و برنامه‌های سرمایه‌گذاری را آغاز کرد. با این حال تا سال ۲۰۲۵، اروپا نتوانست به طور کامل از نفت و گاز روسیه جدا شود و همچنان بخش‌هایی از اقتصاد انرژی اروپا به مسکو وابسته مانده است، به گفته کارشناسان چند عامل کلیدی این ناتوانی را توضیح می‌دهد؛ نخست ساختار زیرساختی اروپا است. بسیاری از کشورهای اروپایی- به‌ویژه آلمان، اتریش، مجارستان و اسلواکی- دهه‌ها شبکه‌های گازی و پالایشی خود را براساس واردات ارزان و پایدار از روسیه بنا کرده‌اند. دگرگون‌سازی این زیرساخت‌ها نیازمند سال‌ها زمان و صدها میلیارد یورو سرمایه‌گذاری است؛ امری که در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نبود.

دوم کمبود منابع جایگزین مطمئن است. اروپا پس از ۲۰۲۲ به طور گسترده به واردات گاز مایع آمریکا، قطر و الجزایر گرایش پیدا کرد، اما ظرفیت جهانی تولید گاز مایع محدود است، قیمت‌ها در نوسان شدید قرار دارد و زیرساخت‌های دریافت و توزیع در اروپا هنوز کامل نشده است. همچنین خط لوله‌های جنوب اروپا توان کافی برای جبران واردات عظیم شرق را ندارند. عامل سوم اختلافات سیاسی درون اتحادیه بوده است. برخی کشورها مانند لهستان و لیتوانی قاطعانه خواهان قطع کامل انرژی روسیه هستند، در حالی که کشورهایی مانند مجارستان، اتریش و اسلواکی این اقدام را تهدیدی برای امنیت انرژی و ثبات اقتصادی خود می‌دانند. این اختلافات سبب شد تحریم‌های حوزه انرژی به‌صورت تدریجی، پیچیده و همراه با معافیت‌های متعدد اجرا شود. چهارم هزینه‌های اقتصادی نقش مهمی داشته است. افزایش قیمت انرژی در سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ فشار گسترده‌ای بر صنایع اروپایی وارد کرد. دولت‌ها نگران بودند که قطع ناگهانی انرژی روسیه باعث رکود عمیق، تعطیلی کارخانه‌ها و کاهش رقابت‌پذیری اتحادیه شود. مجموع این عوامل سبب شده است اروپا تا سال ۲۰۲۵ همچنان نتواند به استقلال کامل انرژی برسد. به گفته کارشناسان تصمیم جدید اتحادیه اروپا درباره قطع واردات گاز از روسیه تا سال ۲۰۲۷ نیز نمی‌تواند به اهدف خود برسد. براساس داده‌های اتحادیه اروپا، وابستگی بلوک اروپایی به گاز روسیه که پیش از حمله تمام‌عیار به اوکراین حدود ۵۰درصد بود، در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ به ۱۳درصد کاهش یافت؛ اما با وجود این کاهش شدید، ارزش صادرات گاز روسیه به اروپا همچنان به ۱۰میلیارد یورو رسید. بلژیک، فرانسه و اسپانیا همچنان ال‌ان‌جی روسیه را از طریق محموله‌های انتقالی دریافت می‌کردند.

خانه‌های سرد میلیون‌ها اروپایی

یورونیوز در گزارشی از تداوم بحران انرژی در اتحادیه اروپا به دلیل تداوم جنگ اوکراین خبر داده و نوشته است: مسکن یک حق اجتماعی است اما ده‌ها میلیون اروپایی ناچارند در خانه‌های سرد زندگی کنند. به گزارش یورونیوز به نقل از یورواستات، بیش از ۴۱میلیون نفر در اتحادیه اروپا توان مالی برای آنکه خانه‌های خود را به طور کافی گرم نگه دارند ندارند که معادل ۹٫۲درصد جمعیت است. حدود دو سوم از افرادی که دچار «فقر انرژی» هستند در چهار اقتصاد بزرگ اتحادیه اروپا زندگی می‌کنند. زندگی در خانه سرد علاوه‌بر فشار روانی خطرات جدی برای سلامت جسم دارد. مطالعات نشان می‌دهد محیط‌های سرد خطر سکته و عفونت‌های تنفسی را افزایش می‌دهد و احتمال حوادث ناشی از کاهش مهارت‌های حرکتی را هم بالا می‌برد.

براساس این گزارش نرخ فقر انرژی از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است. این درصدها شاید در نگاه اول چشمگیر نباشد اما وقتی به تعداد افراد متاثر تبدیل شود جدیت مسئله آشکار می‌شود. یورونیوز بیزنس با استفاده از آمار جمعیت یک ژانویه ۲۰۲۴ (۱۱ دی ۱۴۰۲) تعداد افراد متاثر از این نوع فقر را محاسبه کرده است. در اتحادیه اروپا، سهم افرادی که نمی‌توانند خانه خود را گرم کنند از ۲٫۷درصد در فنلاند تا ۱۹درصد در بلغارستان و یونان متغیر است. با احتساب نامزدهای عضویت در اتحادیه اروپا این دامنه از ۰٫۷درصد در سوئیس تا ۳۳٫۸درصد در آلبانی گسترده است. مقدونیه شمالی نیز با ۳۰٫۷درصد یک استثناست. این سهم در لیتوانی، اسپانیا، پرتغال، ترکیه، قبرس، مونته‌نگرو، فرانسه و رومانی نیز بالای ۱۰درصد است. سهم افرادی که نمی‌توانند خانه‌های خود را به طور کافی گرم نگه دارند در ایتالیا و آلمان کمتر از میانگین اتحادیه اروپاست.

ترکیه، اسپانیا و فرانسه پیشتازند

در میان ۳۶ کشور، ترکیه بیشترین تعداد افراد گرفتار فقر انرژی را ثبت کرده است. هرچند نرخ در سال‌های اخیر بهبود یافته، در ۲۰۲۴ هنوز ۱۲٫۹میلیون نفر نتوانستند خانه‌های خود را گرم نگه دارند. در اسپانیا ۸٫۵میلیون نفر نتوانستند خانه‌های خود را گرم نگه دارند و این رقم در فرانسه به ۸٫۱میلیون نفر رسید. تعداد در آلمان ۵٫۳میلیون و در ایتالیا ۵٫۱میلیون نفر است.

«یورونیوز» از قول کمیسیون اروپا می‌نویسد فقر انرژی زمانی رخ می‌دهد که یک خانوار ناچار شود مصرف انرژی خود را آن‌قدر کاهش دهد که سلامت و رفاه ساکنان آسیب ببیند. پدیده عمدتا سه ریشه دارد: سهم بالای هزینه‌های خانوار برای انرژی، درآمد پایین و پایین بودن کارایی انرژی در ساختمان‌ها و لوازم. به گفته کمیسیون اروپا «بحران کووید-۱۹» حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ (اسفند ۱۴۰۰) و جهش قیمت‌های انرژی به دنبال آن وضعیت دشوار بسیاری از شهروندان اتحادیه اروپا را بدتر کرد.

هدف بعدی ما هستیم

اما در حالی که اروپا همچنان گرفتار بحران انرژی است نگرانی‌ها در اروپا از از جنگ بین روسیه و ناتو نیز روز به روز در حال افزایش است. دبیرکل ناتو هم در همین راستا با طرح ادعایی مبنی بر اینکه این ائتلاف «هدف بعدی روسیه» است، از متحدانش خواست تا تلاش‌های نظامی خود را افزایش دهند. به گزارش ایسنا، «مارک روته» دبیرکل ناتو شامگاه پنجشنبه در برلین ادعا کرد: «بسیاری از متحدان این ائتلاف نظامی، فوریت تهدید روسیه در اروپا را احساس نمی‌کنند و باید به‌سرعت هزینه‌های دفاعی و تولید را افزایش دهند تا از جنگی در مقیاس آنچه نسل‌های گذشته دیده‌اند، جلوگیری کنند». طبق گزارش خبرگزاری «رویترز»، دبیرکل ناتو گفت: «اگرچه تصمیم برای افزایش هزینه‌های دفاعی در اجلاس ناتو در لاهه در اوایل امسال مورد استقبال قرار گرفت، اما اکنون وقت خودستایی نیست.» روته افزود: «من می‌ترسم که خیلی‌ها بی‌سروصدا از خوردراضی باشند. خیلی‌ها فوریت را احساس نمی‌کنند. و خیلی‌ها معتقدند که زمان به نفع ماست. اما این‌طور نیست. زمان اقدام همین اکنون است. هزینه‌ها و تولید دفاعی متحدان باید به سرعت افزایش یابد. نیروهای مسلح ما باید آنچه را که برای حفظ امنیت ما نیاز دارند، داشته باشند». دبیرکل ناتو در ادامه مدعی شد: «روسیه نسبت به ناتو و اوکراین حتی گستاخ‌تر، بی‌ملاحظه‌تر و بی‌رحم‌تر شده است».

دیلی‌میل لو داد

طرح ترامپ برای فروپاشی اتحادیه اروپا با جدایی ایتالیا، مجارستان، لهستان و اتریش

سرویس خارجی-

روزنامه انگلیسی فاش کرد که ترامپ به دنبال تضعیف و نابودی تدریجی اتحادیه اروپا از طریق جدا کردن ایتالیا، مجارستان، لهستان و اتریش از این اتحادیه است.

بازگشت ترامپ به کاخ‌سفید شکاف بزرگی بین اروپا و آمریکا ایجاد کرده است. در یک سال اخیر، روابط آمریکا و اروپا شاهد تغییرات قابل‌توجهی بوده که بسیاری آن را نوعی فاصله‌گرفتن واشنگتن از بروکسل و پاریس و دیگر پایتخت‌های اروپایی می‌نامند. کارشناسان بر این باورند که نوعی بازتعریف راهبردی در سیاست‌خارجی آمریکا در حال وقوع است که اولویت‌های واشنگتن را از همکاری سنتی فرا آتلانتیک به منافع اقتصادی و تمرکز روی رقبای بزرگ‌تر مانند چین تغییر می‌دهد. تنش‌های تجاری بین واشنگتن و بروکسل طی یک سال گذشته و کمرنگ شدن چتر امنیتی آمریکا بر سر اروپا سران اتحادیه را به این نتیجه رسانده است که باید راه خود را از آمریکا جدا کنند. پایتخت‌های کشورهای اروپایی این روزها شاهد برگزاری جلسات امنیتی گسترده در این زمینه برای زمینه‌چینی جهت استقلال امنیتی از آمریکا است. ترامپ حتی اروپا را از مذاکرات آتش‌بس اوکراین نیز کنار گذاشته است. اوج این واگرایی را می‌توان در سند راهبرد امنیت ملی جدید آمریکا دانست که به صراحت در آن آمده است اتحادیه اروپا دچار مرگ تمدنی و هویتی شده است.

نابودی تدریجی اتحادیه اروپا

از سوی دیگر افشای یک سند محرمانه مرتبط با راهبرد امنیت ملی آمریکا نشان می‌دهد که فراتر از فاصله‌گیری آمریکا و اروپا ترامپ به دنبال تضعیف و نابودی تدریجی اتحادیه اروپا است. آن‌طور که دیلی‌میل نوشته است: یک نسخه افشاشده از «استراتژی امنیت ملی آمریکا» (NSS) نشان می‌دهد دولت ترامپ برنامه‌ای صریح برای دور کردن چهار کشور اروپایی از اتحادیه اروپا داشته است؛ برنامه‌ای که هدف آن «بازطراحی نظم قدرت در اروپا» و نزدیک‌سازی برخی دولت‌های محافظه‌کار به واشنگتن بود. این نسخه طولانی‌تر که پیش از انتشار رسمی نسخه ۲۹ صفحه‌ای در کاخ‌سفید گردش کرده، توسط منابع آمریکایی به رسانه‌ها ارائه شده است؛ با این حال کاخ‌سفید وجود آن را «کاملاً جعلی» خوانده است.

براساس گزارش دیلی‌میل، نسخه افشاشده راهبرد امنیت ملی آمریکا فهرستی از کشورهایی ارائه می‌دهد که آمریکا باید تمرکز ویژه‌ای بر آنها داشته باشد: ایتالیا، مجارستان، لهستان و اتریش. این چهار کشور در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ نیز به دولت او نزدیک بودند و طرح پیشنهادی می‌گوید که واشنگتن باید «با آنها با هدف دورکردن تدریجی‌شان از اتحادیه اروپا بیشتر کار کند.» نسخه رسمی این سند هشدار می‌دهد که اروپا در صورت ادامه روند فعلی مهاجرت و کاهش جمعیتی، در خطر «محو تمدنی» قرار خواهد گرفت و ممکن است «طی بیست سال آینده هویت خود را از دست بدهد». نسخه افشاشده این گزاره‌ها را یک گام جلوتر می‌برد و صراحتاً می‌گوید آمریکا باید «در برابر بروکسل یک بلوک همسو ایجاد کند» و بر «احیای مدل‌های سنتی اروپایی» تأکید می‌کند. به گزارش فارس به نقل از دیلی‌میل این سند همچنین تأکید دارد واشنگتن باید از «احزاب، جنبش‌ها و چهره‌های فکری» حمایت کند که طرفدار «حاکمیت ملی، احیای سنت‌های اروپایی و گرایش‌های ملی‌گرایانه» هستند. تحلیلگران این اشاره را متوجه جنبش‌های راست‌گرای اروپا می‌دانند.

روابط شخصی ترامپ با رهبران ملی‌گرای اروپا

براساس این گزارش رئیس‌جمهور آمریکا بارها از جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا، تمجیدکرده و او را «زن فوق‌العاده» و «سیاستمداری که اروپا را تکان داده» خوانده است. ملونی در چند ملاقات با ترامپ، از جمله سفر به «مارآلاگو» پیش از مراسم تحلیف و دیدار در دفتر بیضی، مورد تحسین ویژه قرار گرفت. ترامپ حتی در نشست صلح خاورمیانه در قاهره او را «زیبا» توصیف کرد، عبارتی که واکنش‌های گسترده‌ای برانگیخت. ترامپ رابطه نزدیکی نیز با «ویکتور اوربان»، نخست‌وزیر مجارستان، دارد. او در ماه گذشته اوربان را در کاخ‌سفید پذیرفت، از او برای انتخابات پیش‌رو حمایت کرد و حتی به مجارستان برخلاف سیاست فشار بر روسیه برای واردات نفت و گاز روسیه معافیت تحریمی اعطا کرد.

تبدیل اروپا به بازیگری درجه ۲

به گزارش دیلی‌میل نسخه افشاشده سند راهبرد امنیت ملی آمریکا همچنین از ابتکار تازه‌ای به نام «هسته پنج‌گانه» (Core 5) سخن می‌گوید؛ چارچوبی که اعضای آن آمریکا، چین، روسیه، هند و ژاپن معرفی شده‌اند. هدف این سازوکار، ایجاد «یک محور قدرتِ متوازن‌کننده» در سیاست جهانی است ایده‌ای که می‌تواند اتحادیه اروپا را عملاً به یک بازیگر درجه‌دو تبدیل کند. با این حال، «آنا کلی»، سخنگوی کاخ‌سفید، وجود نسخه طولانی‌تر این سند را «جعلی» خواند و گفته، «هیچ نسخه طبقه‌بندی‌شده یا جایگزین وجود ندارد. رئیس‌جمهور تنها یک سند رسمی منتشر کرده است و هر چیزی غیر از آن ساخته و پرداخته افراد بی‌خبر است.» با این حال، منابع امنیتی در واشنگتن همچنان می‌گویند نسخه‌های اولیه یک سند امنیتی می‌توانند پیش از انتشار تغییر کنند و معمولاً بخشی از آنها به بیرون درز می‌کند. افشای این استراتژی، چه واقعی باشد چه نباشد، تصویری از تنش عمیق میان دولت ترامپ و ساختار سیاسی بروکسل ارائه می‌دهد؛ تنشی که شالوده اتحاد سنتی آمریکا و اروپا را تحت فشار قرار داده است.

پولیتیکو هم در گزارشی درباره تشکیل این بلوک جدید قدرت بدون حضور اروپا نوشته است: ترامپ در حال بررسی ایجاد یک اتحاد جدید از کشورها با مشارکت چین و روسیه است که باید جایگزینی برای گروه هفت باشد. یکی از مقاماتی که در دوران اول ریاست‌جمهوری «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور ایالات‌متحده در کاخ‌سفید کار می‌کرد، به نشریه «پولیتیکو» گفت: «ایجاد یک اتحاد هسته‌ای پنج کشوری که شامل ایالات‌متحده، چین، هند، ژاپن و روسیه است، دیگر چندان تکان‌دهنده و شوکه‌کننده تلقی نمی‌شود.» این مقام که نخواست نامش فاش شود، گفت: «هیچ چیزی در مورد اتحاد هسته‌ای پنج یا هفت کشوری مورد بحث قرار نگرفته اما مطمئنا گفت‌وگوهایی وجود داشته مبنی بر اینکه نهادهای فعلی مانند ساختارهای گروه هفت یا شورای امنیت سازمان ملل با توجه به بازیگران جدید امروزی برای این منظور مناسب‌نیستند.»

افزایش هزینه‌های زندگی در آمریکا

اما از تحولات داخلی آمریکا هم خبر این که گزارش جدید مؤسسه بروکینگز حاکی است یک‌سوم طبقه متوسط آمریکا از پرداخت هزینه‌های اساسی زندگی ناتوان است. طبق این گزارش حدود یک‌سوم (۳۳درصد) خانواده‌های طبقه متوسط آمریکا نتوانسته‌اند هزینه‌های اساسی زندگی شامل مسکن، غذا، حمل‌ونقل و مراقبت از کودکان را تأمین کنند. این بحران در تمام ۱۶۰ منطقه بزرگ شهری آمریکا وجود دارد و هیچ شهر بزرگی نیست که طبقه متوسط آن به طور کامل از نظر مالی در آرامش باشد؛ حتی در بهترین مناطق نیز دست‌کم ۲۰درصد خانواده‌های متوسط با مشکل «مقرون به صرفه» روبه‌رو هستند. به نوشته بروکینگز نابرابری نژادی این بحران را عمیق‌تر کرده است، در حالی که ۲۷درصد خانواده‌های سفیدپوست متوسط با مشکل مواجه‌اند، این رقم برای سیاه‌پوستان ۳۹درصد، آسیایی-آمریکایی‌ها ۴۱درصد، بومیان آمریکایی ۴۶درصد و لاتینوها به ۵۰درصد می‌رسد. پولیتیکو هم در گزارشی نوشته است: تقریبا نصف جامعه نزدیک به ۳۳۰میلیون نفری آمریکا حتی برای تامین هزینه خوراک مشکل دارند.

با استناد به یک سند محرمانه

نیویورک‌تایمز: چین در صورت وقوع جنگ بر ارتش آمریکا پیروز می‌شود

سرویس خارجی-

«نیویورک‌تایمز» نوشت که گزارشی محرمانه از دولت آمریکا نشان می‌دهد در صورت وقوع جنگ بر سر تایوان، چین بر ارتش آمریکا غلبه خواهد کرد.

در سال‌های اخیر، چین با سرعتی خیره‌کننده و همچون اژدهایی بیدار شده از خواب هزارساله، پیشرفت‌های نظامی خود را به سطحی رسانده که نه‌تنها تعادل قدرت جهانی را به لرزه درآورده، بلکه آمریکا و متحدان غربی‌اش را در وحشتی عمیق فرو برده است. بودجه دفاعی پکن که در سال ۲۰۲۴ به ۲۹۶ میلیارد دلار رسید و با افزایش ۷.۲درصدی در ۲۰۲۵ ادامه یافت، سوخت‌رسانی به این جهش کرده، و ارتش آزادی‌بخش خلق را به نیرویی مجهز به بیش از ۶۰۰ کلاهک هسته‌ای عملیاتی تبدیل نموده- عددی که تا ۲۰۳۰ به بیش از هزاران می‌رسد- در حالی که ناوگان دریایی‌اش، بزرگ‌ترین در جهان با بیش از ۳۷۰ ناو جنگی، تا پایان دهه جاری به ۴۳۵ فروند خواهد رسید و موشک‌های هایپرسونیک، هوش مصنوعی جنگی و قابلیت‌های فضائی‌اش، همچون سایه‌ای تهدیدآمیز بر آسمان‌های اقیانوس آرام سایه افکنده است. این تحولات، که گزارش‌های پنتاگون آن را «چالش همگام‌سازی» برای واشنگتن توصیف کرده، نه‌تنها برتری سنتی آمریکا در اقیانوس‌های آبی را به چالش کشیده، بلکه با نمایش‌های عمومی موشک‌های قاره‌پیما و بمب‌افکن‌های پنهان‌کار، کاخ‌سفید را وادار به بازنگری فوری در استراتژی‌های دفاعی‌اش کرده است، در حالی که رهبران غربی با چشمانی پر از اضطراب، به تماشای این طوفان شرقی نشسته‌اند که مرزهای قدرت را برای همیشه دگرگون می‌سازد.

برتری‌های نظامی چین

گزارش محرمانه «برتری مطلق» که توسط دولت آمریکا انجام شده است، جزئیات توانایی چین در از بین بردن قدرت نظامی آمریکا، از جمله کشتی‌های بزرگ و هواپیماهای جنگنده را شرح می‌دهد. روزنامه «نیویورک‌تایمز» درباره این گزارش خاطرنشان کرد که این سند نشان می‌دهد که اتکای آمریکا به سلاح‌های گران‌تر، این کشور را در برابر سلاح‌های ارزان‌تر و پیشرفته‌تر چین آسیب‌پذیر می‌کند. گفته می‌شود یک مقام آمریکایی که در دوران ریاست‌جمهوری «جو بایدن» این سند را دیده بود، از برتری چین نسبت به آمریکا در بخش‌های مختلف، رنگش پریده بود!

«اریک گومز»، پژوهشگر مؤسسه «تایوان سکیوریتی مانیتور»، که در یک رزمایش نظامی برای درگیری تایوان شرکت کرد، گفت که اگرچه نتیجه مشخص نیست، آمریکا متحمل خسارات سنگینی خواهد شد. او به روزنامه «تلگراف» گفت: «ایالات‌متحده در این فرآیند کشتی‌های زیادی را از دست می‌دهد.» به گفته گومز، بسیاری از جنگنده‌های اف-۳۵ و سایر هواپیماهای تاکتیکی در صحنه نبرد نیز به‌سرعت فرسوده می‌شوند. طبق سند استراتژی آمریکا که هفته گذشته منتشر شد، «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا، قصد دارد با تقویت قدرت نظامی کشور و متحدانش از درگیری با چین بر سر تایوان و دریای چین‌جنوبی جلوگیری کند.

بنابر این گزارش، آمریکا هیچ رابطه دیپلماتیک رسمی با تایوان ندارد اما مهم‌ترین حامی بین‌المللی آن است و طبق قانون موظف است وسایل دفاع از خود را در اختیار تایوان قرار دهد. در سند استراتژی آمریکا آمده است که «جلوگیری از درگیری بر سر تایوان، در حالت ایده‌آل با حفظ برتری نظامی، یک اولویت است.» این سند می‌افزاید: «ما ارتشی خواهیم ساخت که قادر به دفع تجاوز در هر جایی باشد اما ارتش آمریکا نمی‌تواند و نباید مجبور باشد این کار را به تنهائی انجام دهد.» رئیس‌جمهور آمریکا تا حد زیادی از بیان مستقیم چگونگی واکنش به افزایش تنش‌ها بر سر تایوان خودداری کرده است. با این حال، بایدن در طول دوره ریاست جمهوری خود از ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ بارها گفت که اگر چین به تایوان حمله کند، آمریکا از آن دفاع خواهد کرد.

مسئله تایوان

در پایان گفتنی است که اصل «چین واحد» سنگ بنای هویت ملی، غرور تاریخی و خط قرمز مطلق جمهوری خلق چین است؛ تایوان از دید پکن نه یک کشور جدا، بلکه استانی جدایی‌طلب از خاک سرزمین مادری به‌شمار می‌رود که در سال ۱۹۴۹ به دلیل جنگ داخلی از کنترل مرکزی خارج شد، و بازگرداندن آن- حتی به قیمت جنگ- به عنوان تکمیل «احیای بزرگ ملت چین» و پایان قرن تحقیر (۱۸۴۰-۱۹۴۹) تلقی می‌شود، برای حزب کمونیست، تایوان صرفاً یک مسئله سرزمینی نیست، بلکه نماد مشروعیت تاریخی و ملی‌گرایی است که هرگونه عقب‌نشینی از آن به معنای فروپاشی اعتبار داخلی چین خواهد بود. در این میان، آمریکا با سیاست «ابهام استراتژیک» ظاهری اما حمایت عملی فزاینده- از جمله فروش تسلیحات پیشرفته به ارزش میلیاردها دلار در سال‌های اخیر، سفرهای تحریک‌آمیز مقامات ارشد کنگره مانند «نانسی پلوسی» در ۲۰۲۲ و در ۲۰۲۵ اظهارات وزیر خارجه مبنی بر «تعهد آهنین به دفاع از تایوان»- عملاً در حال عبور مستمر از خطوط قرمز اعلام‌شده از طرف پکن است؛ این تناقض آشکار واشنگتن که از یک‌سو اصل چین واحد را در اسناد رسمی سه‌گانه مشترک (۱۹۷۲، ۱۹۷۹، ۱۹۸۲) به رسمیت شناخته و از سوی دیگر با اقدامات عملی‌اش جدایی‌طلبی تایوان را تقویت می‌کند، خشم عمیق و قابل درک پکن را برانگیخته و خطر درگیری نظامی را به بالاترین سطح از زمان بحران تنگه تایوان در ۱۹۹۶ رسانده است. این نکته نیز گفتنی است که اگر جنگی بر سر تایوان آغاز شود، احتمال درگیری جهانی بسیار بالاست؛ آمریکا به دلیل «قانون روابط تایوان» و تعهدات استراتژیک، تقریباً ناچار به دخالت مستقیم نظامی خواهد بود، در حالی که ژاپن (با پایگاه‌های آمریکایی در اوکیناوا فقط ۶۰۰ کیلومتر با تایوان فاصله دارد)،